

مساجد جنوب شرقی آسیا

هیو آنیل

ترجمه شیلا مالکی دیزجی

احداث مسجد چوبی و تنوع تفسیر آن در سراسر این ناحیه، مطالعه جذابی در باره تحول معماری به شمار می‌رود. این نکته، غنی‌ترین تعبیر را در مجمع الجزایر اندونزی دارد و از دیدگاه‌های مختلف به شرح زیر بررسی خواهد شد: ترکیب کلی، فن ساختن، آرایش تصاویر و مجسمه‌ها و معنای نمادین آن. الوار مرکزی و شبستان پُسر از ستون‌ها را باید یک نوع به‌وضوح دگرگون‌شده به حساب آورد. عناصری که به‌طور گسترده‌ای و در جای دیگر عجین با معماری اسلامی است، مانند گنبد و تزئین سطحی هندسی در این شُئن نمایان نیستند. این بناهای چوبی، که نقطه اوج‌شان در مسجد بزرگ (مسجد آگانگ) در مراکز سلطنتی اسلام در جاوه از قرن پانزدهم می‌باشد، از عمارت‌های باز (جوگو) در فسرهای (کراتون) حاکمان پیش از اسلام الگو برداری شدند.

برای این مسجد در آسیای جنوب شرقی گاهی ریشه‌های چینی ادعا شده است. از زمان ماقبل تاریخ،

هرگونه بررسی در معماری جوامع در هر یک از دو طرف «تنگه مالکاه» - که شبه جزیره مالزی را از شمال سوماترا جدا می‌کند - و بالای آن، قطعاً مربوط است به یکی از پیچیده‌ترین الگوهای فرهنگ‌پذیری در تاریخ. اگرچه دین اسلام در میان ساکنان این ناحیه حاکم است، لیکن جوامع بزرگی که در سراسر خشکی و مجمع الجزایر جنوب شرقی آسیا پراکنده‌اند، به ابعاد هندوئیسم، بوداییسم، کالتویسیسم، تائو و مسیحیت و نیز برهائی جشن‌های مراسم و شُئن بومی پای‌بند می‌باشند. این گوناگونی از هجوم پی‌درپی بازرگانان در ناحیه‌ای سرچشمه می‌گرفته است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای غنی و پُر نعمت است. از ابتدای تاریخ ثبت شده، جزایر طلا و ادویه، ماجراجویان را از خاورمیانه، مدیترانه، چین و ژاپن و بعدها از شمال اروپا به خود جذب نمود. این مجموعه پیچیده و فوق‌العاده تأثیرهای خارجی، به روشی همه‌گیر و غیر معمول در ساختمان‌سازی نمایان شده است.

نست بالایی نكاستون مرکزی و هلال‌ها كه محافظ سلف روی نمازخانه مسجد می‌باشد

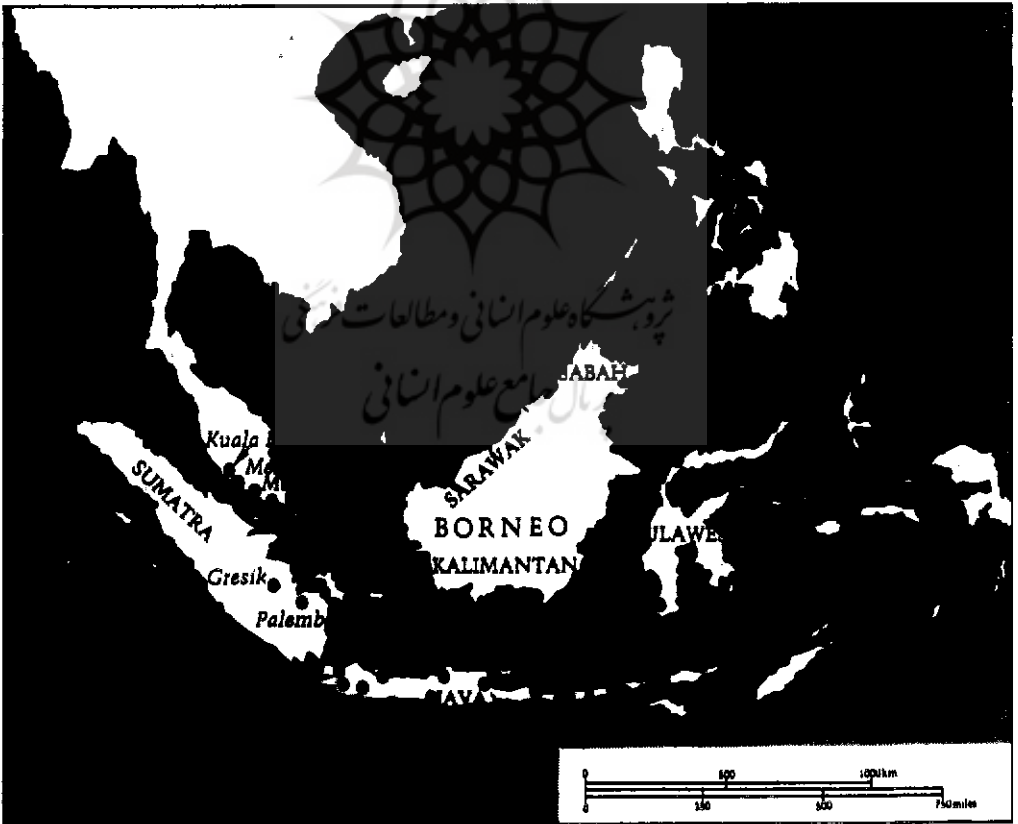


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◀ یک واتشیلان (عمارت) مربوط به قرن بیستم در کاسیمبان، باندانگ، بالی، که با ستنش برآمده در مرکز به صورت سراسب را نشان می دهد.



▼ آسیای جنوب شرقی، که اماکن اصلی در مجمع الجزایر اندونزی و شبه جزیره مالزی را نشان می دهد.



مهاجران از جنوب غربی چین به این ناحیه عزیمت کرده‌اند و بناهای چوبی که از زمین برخاسته‌اند، هرکجا که نسل‌های بعدی آن‌ها اقامت کرده‌اند، یافت می‌شود. لیکن، روش‌های بارز ساختاری که توسط خانه‌سازها در این منطقه به کار برده شده، به تکنیک‌هایی مبدل شده است که بر اساس آن انحنای منند و لایه‌های سبک و فشرده بام بر پایه استفاده از تعداد زیادی الوار و فیبر قرار دارد. فن کشتی‌سازی این مهاجران نیز ممکن است در این پیشرفت‌ها مؤثر بوده باشد. بناهای تاریخی کلاسیک چین و ژاپن بر نظام‌های دیگر ساختاری متکی می‌باشند، که بر اساس آن سقف‌ها از بلوک‌های چوبی و طاقچه‌های دیوارکوب ساخته می‌شوند تا تیرهای جانبی و مورب را که به یکدیگر چسبیده و متصل هستند، حمایت کنند. از شمع‌های متمایل و تیرهای عرضی دوگانه به منظور گسترش سقف‌های سنگین کاشی‌کاری‌شده به پیش‌آمدگی‌های گسترده سه‌بام استفاده می‌شود.

استفاده سنتی از تکنیک‌ها و مواد چوبی و یسافی نیز در مرض نفوذ عقاید از شبه‌قاره هند بوده است. با نظر به پیدایش آن‌ها می‌توان گفت که اماکنی در جهان هند و جسد دارد که فرایندهای دگرپسی از ساختمان‌های چوبی به ساختارهای جهانی‌تر بنایی را می‌توان در آن‌ها مشاهده نمود. در مناطق جنوبی هیمالیا، از دره کولو و نهال تا برمه و در بخش‌هایی از جنوب هند و سریلانکا ستن غنی ساختمان‌سازی با استفاده از مواد ساختمانی باقی مانده است. حتی تأثیرهای مستقیم‌تر را می‌توان تا مساجد جوامع بازرگانی خارجی در امتداد سواحل مالابار و کوروماندل در جنوب شرقی و جنوب غربی هند و سریلانکا دنبال کرد.

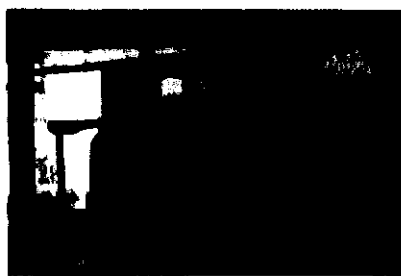
تنها در قرن نوزدهم بود که مساجد با گنبد برای اولین بار در آسیای جنوب شرقی ساخته شد. این پیشرفت در کشورهای مسلمان مالزی و شمال

سوماترا، هنگامی که تجارت و تسلط اقتصادی اروپا در بسیاری از کشورهای جهان اسلام باعث حرکت‌های واکنشی در مراکز اصلاحات اسلامی شده بود، به وقوع پیوست. یکی از قدیمی‌ترین مساجد از این نوع در این منطقه در «آسه» ساخته شد؛ در سال ۱۸۷۳ (۱۲۵۲ ه.ش)، هنگامی که شرکت‌های تجاری بین‌المللی سعی کردند قراردادهایی را به محمود شاه، پادشاه آسه، تحمیل کنند، دولت هندی هلند شکیبایی خود را از دست داد و با حمله به این شهر، مساجد موجود را ویران کرد. اشغال کوتاه‌مدت پایتخت، به هلندی‌ها اجازه داد که مسجدی تازه بسازند، که از سال ۱۸۷۹ (۱۲۵۸ ه.ش) آغاز شد و در سال ۱۸۸۱ (۱۲۶۰ ه.ش) به اتمام رسید. گنبد چوبی آن از توفان‌های دمه‌انجیلی سیاه‌رنگ و مرغوب روکش شده بود. اگرچه رهبران مذهبی، سال‌ها مسجد جدید «باتیراچمن» را مغایر و نامناسب برای استفاده عبادی قلمداد کردند، ولی در قرن بیستم، این مسجد با افزودن شدن چهار گنبد و دو مناره دیگر گسترش یافت. شهرت آن اکنون در سراسر اندونزی فراگیر شده و بیش‌تر منازل این ساختمان از شهرت مردم آسه به‌عنوان اعضای امت مستقل که روابط خود را با جهان بین‌المللی حفظ می‌کردند، ناشی شده است.

مساجد دیگر با این اشکال غیربومی و بیگانه، زمانی که دولت مستعمره اروپا کنترل خود را بر بازارهای جهانی در اوایل قرن بیستم گسترش دادند، پدید آمدند. قراردادهایی با حاکمان محلی بسته شد که راغب بودند با شرکت در برنامه‌های ساختمانی، اقتدار محو و تازه‌آغازشده خود را ابراز کنند. به‌رغم توجه و سرپرستی مقامات مستعمراتی و رهبران جوامع، مساجد و قصرها با استفاده از شیوه‌ای طرح شدند که آن را شیوه «مغول» یا «اندوسارانیسک» می‌نامند. بسیاری از بناها ملهم از برنامه‌های ساختمانی معاصر «بریتیش راج» و شاهزادگان متمول هند بود. مسجد عبودیه متعلق به



مسجد آگانگ (تصویر بالایی) در دماک، مرکز جاوه، اندونزی، قدیمی‌ترین مسجد موجود در این مجمع‌الجزایر است. طرح اصلی مریمی‌شکل نمازخانه، که به سال ۱۴۷۲ (۸۸۵۳ ش.) برمی‌گردد، در طی گذشت سال‌ها گسترش پیدا کرده، ولی ساختار بام سه‌دریغه دست‌نخورده باقی مانده است. فضای داخل نمازخانه (سنت چپ، مرکز) خصوصیت اصلی خود را حفظ می‌کند، ولی، مانند اکثر مساجد اولیه در اندونزی، جهت آن به‌سوی منگه تقریبی است. طبل سنتی (بداگ) که سابقاً بر آن کوبیده می‌شد تا مؤمنان را به نماز فراخوانند، در ایوان قرار دارد (پایین سنت چپ) و هنوز در مراسم خاص از آن استفاده می‌شود.



سلطان پراک در مالزی و مسجد حاکم بر شهر محصور در دیوار «جولو»، در مجمع‌الجزایر سولو در جنوب فیلیپین، نمونه‌هایی پُر زرق و برق می‌باشند که دارای گنبد‌های گرد و برآمده که در اطراف جمع شده‌اند و مناره‌های بلند هستند.

ظهور اسلام

مردم بومی شبه‌جزیره مالزی و جماعت ساحل‌نشین سوماترا، جاوه، مجمع‌الجزایر سولو، بورنیو، کالیمانتان، سولاوسی جنوبی، مالوکو، در طی قرون سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم با تعالیم حضرت محمد (ص) آشنا شدند. دست‌کم دو قرن پیش از آن، مسلمانان راه خود را به سوی دربار حاکمان باز کرده بودند. جایی که سنگ قبرهای باقی‌مانده، به‌ویژه در شمال سوماترا و شرق جاوه، بیانگر این نکته هستند که برخی از اعضای خاندان حاکم قبلاً به اسلام گرویده بودند. شاخه شافعی از شریعت اسلامی، که در آسیای جنوب شرقی از زمان‌های پیشین پیاده شده بود، از آن زمان در این منطقه حاکم است.^۱

مراکز سیاسی در شرق جاوه و تایلند، زمانی که مسلمانان با آمدن از عربستان، ایران و هندوستان فرصت‌های تازه‌ای برای تجارت یافتند، گسترش پیدا کردند. نسل‌های آینده این اقامت‌کنندگان، روابط خود را با خاورمیانه و آسیای جنوبی تاکنون ادامه داده‌اند و با گسترش فعالیت‌های بازرگانی خود نقش مهمی درون «امت» محلی ایفا نمودند و با تولیدکنندگان بومی آن‌جا روابط خانوادگی تشکیل دادند. خیلی پیش از قرن دوازدهم، بازرگانان از عربستان و ایران، مراکز فروش خود را در هندوستان، در امتداد سواحل «گوجارات» و مالابار در تاملنادو و در بالا به سمت بنگال تأسیس کردند. آن‌ها از این‌جا به سمت جنوب شرقی و با ادامه راه‌هایی که هزار سال پیش مسافران هندو و بودا از آن گذر کردند، فایز رانی نمودند.

در برمه، بالای گردنه جنوب تایلند تا مسافت‌های زیر رودخانه مکانگ، تا ساحل شرقی ویتنام و بیرون در جزایر فیلیپین، مالزی و اندونزی، عقاید مسافران هندی، طرز تفکر فرهنگی و هوشیاری مذهبی را برای یک هزاره به‌ویژه در میان برگزیدگان حاکم تغییر داده بود. از زمان‌های بسیار قبل، پانصد سال پیش از میلاد پیامبر (ص)، پادشاهی دواراوتی، فونان، چنلا، چامپا و آنگکور در مناطق اصلی آسیای جنوب شرقی با پادشاهی‌های کوتایی در شرق کالیمانتان، سریویجایا در سوماترا و سایر پادشاهی‌ها در مرکز و شرق جاوه داد و ستد داشتند که همگی تحت نفوذ اصول هندو و بوداییسم در خصوص یک حاکم «الهی» قرار داشتند.

اگرچه منطقه مسلمان‌نشین در جنوب چین در عرض دو قرن پس از رحلت حضرت محمد (ص) شناخته شد، ولی شاهدی وجود ندارد مبنی بر این‌که بازرگانان عرب که در این زمان به آسیای جنوب شرقی بسیار سفر کردند، موفق شوند بسیاری از چینی‌ها را به کیش خود درآورند. لیکن این مسئله ثبت شده است که مسلمانان که از ممنوعیت‌های اسپرانور نانگ و ونسانگ (۷-۸۴۱) و بر ضد عقاید بربری خارجی گریختند، راه خود را به سوی مناطق مسکونی در ساحل غربی شبه‌جزیره مالزی گشودند. از آن‌جا که بازرگانان چینی قبلاً در بسیاری از بخش‌های منطقه به مدت تقریباً پانصد سال فعال بودند، احتمال می‌رود که تعدادی از چینی‌ها تغییر مذهب دادند و هم‌تاهای عرب و هندی آن‌ها ایمان خود را در مناطق مسکونی واقع در مصب رودخانه‌ها در امتداد خطوط ساحلی سرپوشیده، در حدود پیش از پایان قرن سیزدهم، تحمیل نمودند.

مراکز اقتدار سیاسی در قسمت خشکی قاره و در سوماترا و جاوه با رقابت‌های داخلی که بر راه‌های بازرگانی میان سوماترا و شبه‌جزیره مالزی متمرکز بود، مرکزی قدرتمند شده بودند. مسافران چینی و اروپایی ثبت کردند که مسلمانان عرب و هندی حضور بازرگانی

خود را پایه‌گذاری می‌کردند و مذهب خود را به جوامع ساحل‌نشین می‌شناساندند. مارکو پولو، جهان‌گرد بی‌باک و نیز، در طی مسافرت دوم خود به شهرهای ساحلی شمال سوماترا در سال ۱۲۹۲ (۵۶۷۱ ه.ش) نوشت که حاکم پراک، تعالیم حضرت محمد (ص) را به‌کار گرفته بود، اگرچه تعداد کمی از ساکنان آن شهر توسط ساکنان خارجی تغییر مذهب داده بودند. تا اوایل قرن پانزدهم، مالکا (ملاکا)، واقع در ساحل غربی شبه‌جزیره مالزی، به‌عنوان یک بندر مهم تجاری تأسیس شد. مؤسس آن «پارامسوارا»، یک پناهنده شاه‌منش از «پالمبانگ» در جنوب سوماترا بود - که با ازدواج با یک شاهزاده مسلمان از «پاسایی» در شمال به دین اسلام گروید. به‌مدت یک قرن تا زمان واژگونی توسط نیروی دریایی پرتغال از ژوآ در سال ۱۵۱۱ (۸۹۰ ه.ش)، این شهر یک مرکز مهم برای تبلیغات تعالیم اسلام در تمام منطقه به‌شمار می‌رفت.

شکل مسجدهای آسیای جنوب شرقی

مسجدهای آسیای جنوب شرقی، از هر جنبه که شرح پیدایش آن‌ها بررسی شود، در زمره سنت شبستان‌های مرتفع، چندسقفی و باز با ستون‌های چوبی به‌عنوان پایه‌های ساختمانی متعلق به جاوه قرار می‌گیرند. مساجد بزرگ «یوگیاکارتا» و «سوراکارتا» در امیرنشین‌های مرکز جاوه، که به قرن هجدهم برمی‌گردد، بهترین نمونه‌ها به‌شمار می‌روند. این مساجد که از اولین مساجد بزرگ الگوبرداری شدند و در بنادر بازرگانی در ساحل شمالی جاوه بنا گردیدند، نشانگر وفور منابع طبیعی این جزیره و تسلط اقتصادی آن بر منطقه است. این تأکید دوباره سیاسی در درون مرکز جاوه در اواخر قرن شانزدهم، هم‌زمان با تضعیف شهرهای اسلامی در ساحل شمالی تحت نفوذ منافع تجاری پرتغال، هلند و انگلیس از سال ۱۵۱۱ (۸۹۰ ه.ش) پدیدار شد. نمونه قبلی آن‌ها، یعنی پایتخت شرقی

جاوه، «مازاپاهیت» (تأسیس در سال ۱۲۹۲، ۵۶۷۱ ه.ش)، به امیرنشین‌های هند و جاوه‌ای در شرق و مرکز جاوه از قرن هشتم تا سیزدهم پیشرفت کرده بودند. کنده‌کاری‌های نقش‌برجسته بر روی تعدادی از بناهای سنگی، که به تاریخ قرون نهم و دهم در مرکز جاوه و قرن دوازدهم تا چهاردهم در شرق جاوه برمی‌گردد، برخی از ساختارهای محلی را نشان می‌دهند. منابع بومی برای این تصاویر مفصلاً مشخص شده‌اند.

این منابع سرخ‌هایی در ارتباط با جزئیات معماری را در اختیار می‌گذارند و نشان می‌دهند که ارتباط مستقیمی با بناهایی وجود داشته که توسط اشراف‌زادگان بنا شدند که در پی حفظ شیوه زندگی هندو-بوداییسم خود، به مشرق جاوه گریختند و در «بالی» سکنی گزیدند. این مهاجرت‌ها در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم، زمانی که مجامع تازه‌تشکیل‌شده مسلمانان در نقاطی در امتداد ساحل شمالی شرق جاوه به هجوم نظامی داخلی پرداختند، به‌وقوع پیوست.

آثار این جوامع را در میان بناهای جاوه پیش از اسلام و معماری مساجد در این ناحیه در مجتمع‌های اشرافی در جنوب بالی هنوز می‌توان دید. دربارهای مستطیل‌شکل با دیوارهای بلند شامل عماراتی می‌شوند که شبیه به عماراتی هستند که در نقش‌برجسته‌های شرقی جاوه نمایان هستند. اگرچه بناهای مسکونی اندکی در بالی به پیش از قرن نوزدهم برمی‌گردند، ولی دلایل بسیاری وجود دارد مبنی بر این‌که اشکال و طرز ساخت آن‌ها بسیاری از سُنن فضای معماری شهر «مازاپاهیت» را در خود دارند. مهم‌ترین بناها، عمارات باز (که به وانتیلان یا بادانگ معروف هستند) می‌باشند که در ورودی‌های به مجتمع‌های معبد بزرگ در جنوب مالی فرار گرفته‌اند. این بناها امروز تأثیرگذارترین ساختمان‌های معابد و روستاهای بالی هستند که به‌منظور اسکان جمعیت‌های عظیم که در مراسم جنگی

مسجد قصر متگسکانگارام، سوارکارنا، از زاویه دید جنوب غربی.



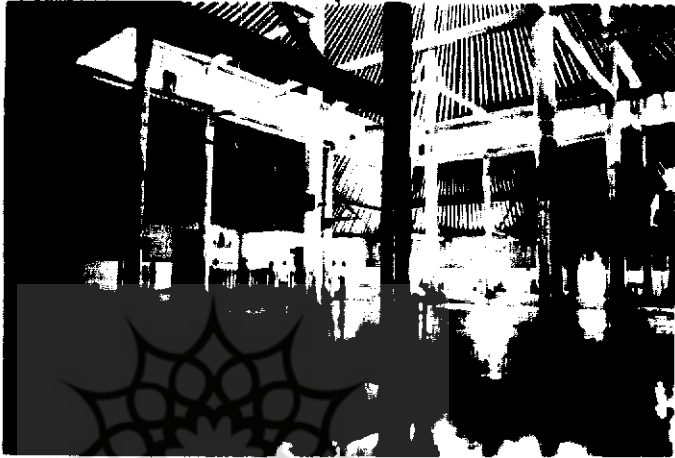
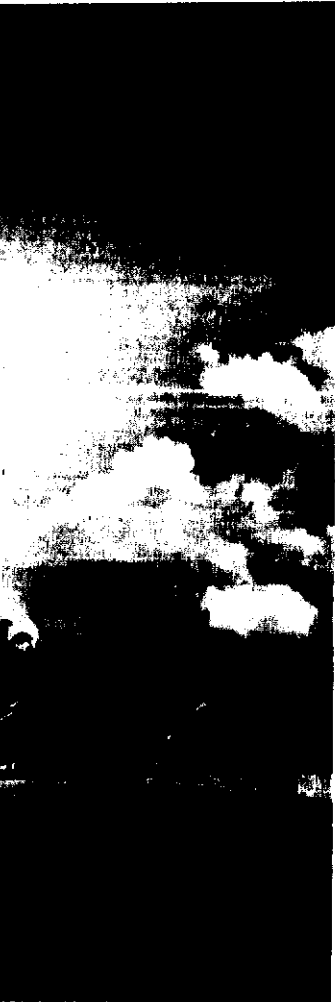
مسجد قصر متگسکانگارام، سوارکارنا، از زاویه دید جنوب غربی.

مناره مسجد در قدس، در نزدیکی دماک، یک برج اجبری مربع شکل دارد که متعلق است به اوایل قرن شانزدهم (که بعدها یک عمارت در بالای آن بنا شد). این مناره که در جاوه قدیمی ترین است به طور غیر معمول جایگاه طبل بود و نقش یک ساختار مشخص و برجسته که به معنای حضور مسجد است، ایفا می کند.

مسجد جمعه در سینگکارا، سومانرا، که در قرن نوزدهم بنا شد، دارای یک سقف پنج طبقه می باشد که بالاترین رقم طبقات در مساجد موجود در آسیای جنوب شرقی است. این ساختمان نمونه خوبی است از مسجد سنتی اندونزی که بر پایه یک طرح چهارگوشه قرار دارد.



نمای داخل مسجد آگانگ (۱۸۴۸ - ۱۲۲۷ ه.ش) شبیه به کرانتون (فصر) سوراکارنا، مرکز جاوه، که ساکاگوری سنتی را نشان می‌دهد، یعنی ساختار پنج ستونی یک محوطه باز مرکزی با نقطه تمرکز همودی (بالا سمت راست) که با هم نماد پنج ستون اسلام هستند. در این جا، مانند بسیاری از مسجدهای هماری، تنها مکان قبله (که محراب تعریف می‌شود) محصور می‌باشد. مسجد نوآ در جزیره ترینت در شمال مالوکو (سمت راست)، متعلق به قرن هجدهم با نام چند طبقه باشکوه آن در مقابل جفت عظیم کوه گاما که یک آتش فشان فعال است، دیده می‌شود.



مسجد سلطنتی آگانگ (۱۵۶۵)، ۸۹۴۴ ه.ش) در بسانن، غرب جاوه، اندونزی (تصویر بالا)، مجتمع اصلی به سبب متاره آن که شبیه به یک فانوس دریایی است قابل ملاحظه است (این خصیصه به معمار هلندی، هندریک لوکاس، نسبت داده شده است) در حالی که خود مسجد یک بام طبقه بندی شده با یک بخش زیرین گسترده دارد. نمای داخل (سمت چپ)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



بعضی از ستون‌ها را نشان می‌دهد که ساخت بالای را محافظت می‌کنند. ظاهر فضای داخلی این ساختمان با فضای داخل مسجد واهلو اولیه (سنت چپ) شدیداً متفاوت دارد، مسجد واهلو مسجد کوچکی است که در سال ۱۶۶۶ (۱۱۶۳ ه.ش) به مکان معنی خود در لیبیتو در جزیره آمبون، مالوکو، در شرق اندونزی منتقل شد.

خروس‌ها شرکت می‌کردند، ساخته شده‌اند.^۲

واضح و نمایان شده است.

در هندوستان، سالن‌های بیرونی (مانداپا) برای نیایش و آمادگی، معمولاً بر ستون‌هایی تکیه دارند که دارای معانی درونی هستند و در برخی موارد این ستون‌ها می‌توانند حول محورهای خود بچرخند، نقش آن‌ها در ایجاد حمایت فیزیکی توسط نمادگرایی ذاتی‌شان بر مبنای ماهیت مدور جهان، تحت الشعاع قرار گرفته است. بخش‌های درونی فضای «مانداپا» به‌طور کل چهار ستون مرکزی به‌عنوان نقطه کانونی دارند که لایه‌های بالایی سقف را حمایت می‌کنند و سقف معمولاً مثل یک غنچه نیلوفر کنده‌کاری شده است. با اتمام این طرح نمادین، در بالاترین نقطه بیرونی، یک گل دسته باشکوه به‌شکل ظرف حاوی (سولا) اکسیر حیات بخش زندگی (آمریتا) وجود دارد. مساجد و شبستان‌های عبادت در جاوه به‌طور وضوح ریشه در این بناها دارند. هرچند هیچ نمونه‌ای از «مانداپا» از دوره هندو-جاوه با شکل مشخصی که اکنون توصیف می‌شود در آسیای جنوب شرقی وجود ندارد. لیکن «سامبیاری» در حریم «شیوا»، مربوط به قرن نهم، که به‌تازگی کشف شده، در نزدیکی «یوگی‌کارتا» بیانگر پیوندهای اساسی است. مانند مساجد بسیاری در منطقه، این مسجد بر روی یک پایه برآمده درون یک محوطه محصورشده در دیوار قرار دارد و یک کانال آب آن را احاطه کرده است. ستون سنگی «شیوا» - «النیکا» - درون «سلا»ی خورد به‌طور مرکزی در زیر سقف چهارگوش و لایه‌لایه قرار گرفته و «ستون کیهانی» نام دارد.

ریشه‌های بومی شکل مسجد

اشکال روستاها و خانه‌های این منطقه نیز دارای نظام‌های نمادین با ارزش و اعتبار فراوان می‌باشند. رد آن‌ها را می‌توان از جنوب غربی چین از میان هندوچین و بورنئو تا آسه، باناک در شمال سوماترا، نیناس،

ترتیب انواع ساختمان‌ها از لحاظ کاربرد

نظام‌های ساختمانی در آسیای شرقی و جنوب شرقی اشکال سفی خاصی بر طبق یک ترتیب خاص دارند که این ترتیب بیانگر هدف ساختمان، فعالیت‌ها و مراسم انجام‌شده در آن و موقعیت اجتماعی استفاده‌کنندگان از آن است. این روابط تابع یک ترتیب طبیعی است. بدین‌گونه - جای شگفتی نیست، که بنایی با یک سه‌گوشه باز در انتها، از لحاظ استفاده عمومی‌ترین بناست. از سوی دیگر، بنایی با یک سقف سرانچسب و برآمده در مرکز برای کاربردهایی همواره با اعمال مذهبی یا یک محوطه انحصاری دولتی استفاده می‌شود؛ به این منظور، یک سقف مرکزی که به‌طور عمودی چندگانه‌شده باشد، حتی برای یک فعالیت نمادین باشکوه مناسب‌تر است.

در معماری مقدس، شبه‌قاره هند، این اشکال جهانی هستند. واضح است که اگر یک حرکت عمل مذهبی متوقف شود، یا یک شیء مورد تکریم در فضا متمرکز شود، لحظه توقف آن شیء که به‌طور خاصی اهمیت دارد باید با یک فوق‌ساختار مرکزین نشان داده شود. بسیاری از بناهای هندو و بودا اشکال چندگانه‌ای دارند تا این نقش نمادین را مورد تأکید قرار دهند. اشاره غیرمستقیم به کوهستان، نیلوفر، یا نمایش چهره انسانی جهانی، اهمیت رسمی آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهند، که غالباً با طرح جزئیات تبیین و تشریح می‌شود و بیانگر بلندی و چندگانگی هستند. نماد محور جهانی (استامبا)، که در معماری هندی به آن اهمیت بسیار داده می‌شود، نمادهای بسیاری در بافت آسیای جنوب شرقی می‌یابد، مانند کوهستان، درخت، ساقه و پرچم نیلوفر، غالباً مثل یک برآمدگی در بناهای الهام‌گرفته از هندو یا بودا ظاهر می‌شود. محور نامریی معبد هندو که به‌طور عمودی از تصویری که در «سلا» گنجانده شده بیرون می‌آید کاملاً

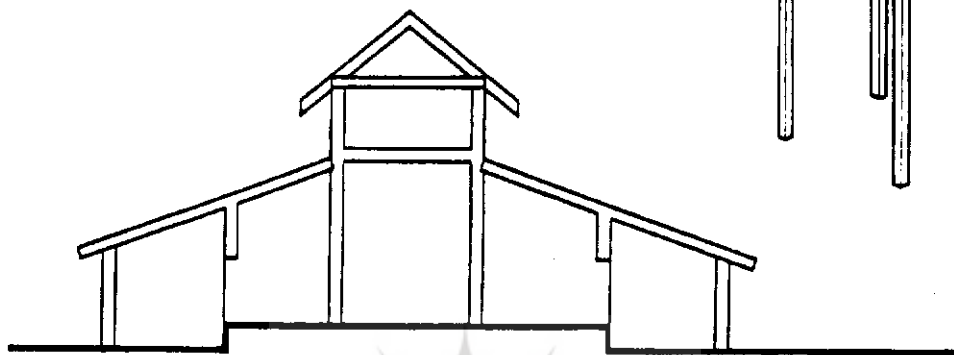
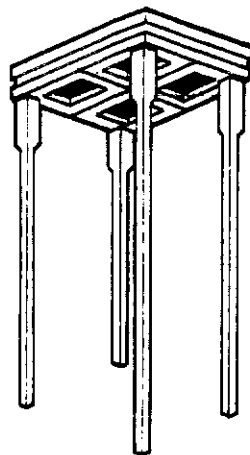


مسجدهای شبه جزیره مالزی
 مسجد سلطان، سنگاپور (چپ)، در سال ۱۹۲۴
 (۱۳۰۳ ه. ش) ساخته و جانشین مسجد احمدی در
 این مکان متعلق به سال ۱۸۲۵ (۱۲۰۴ ه. ش) شد.
 مسجد جامی، سنگاپور (راست)، که متعلق است به
 سال ۱۸۳۰ (۱۲۳۲ - ۱۲۰۹ ه. ش)، به سبب
 مناره دوگانه آن با طرح و سنگ غیر معمول که
 تأثیر هنده را که توسط ساکنان هندی از ساحل
 کورماندل آورده شد - یعنی کسانی که مسجد را
 ساختند، نشان می دهد - قابل ملاحظه است.



مسجد جامی (۱۸۹۷ - ۱۲۷۶ ه. ش) در
 کوالالامپور، مالزی (چپ) دارای یک طرح سنتی
 حیاطهای دیوارکشیده شده و مناره‌ها است؛ این
 ساختمان که در میان درختان نارگیل در مرکز شهر
 قرار دارد، نمایانگر دسته‌های آجر فرمز و اجزای
 دیگر سفیدرنگ است.

طرح اصلی ساکاگورو: چهار ستون اصلی که در مرکز قرار گرفته‌اند
و محافظ بام بالایی سرانگوبه برآمده در مرکز این مسجد می‌باشند.



فدیمی‌ترین مسجد به‌جسامانده در مسالزی، که اصل آن در
کامهانگ‌لاوت در قرن هفدهم ساخته شد.



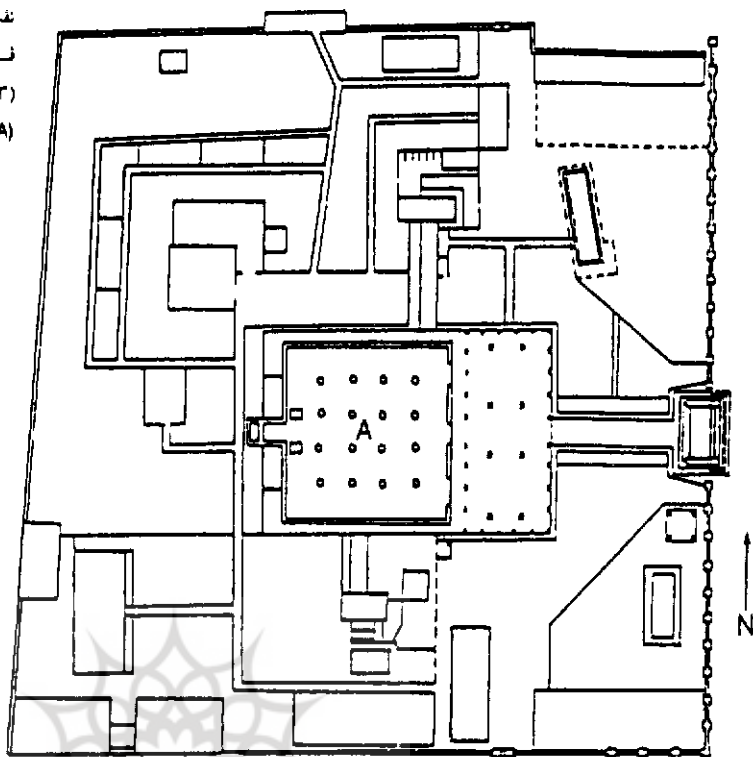
سینانگکابو در غرب سوماترا، مرکز جاوه و سادورا، دباک و بانجار کالیمانتان، توراچاسولوسی، بالی، فلورس، سوما، تیمور و ایریان دنبال کرد. اگرچه بسیاری از این گروه‌های نژاد فرعی هرگز بخشی از دایره نفوذ اسلامی نبوده‌اند، ولی بیانگر غنای زمینه فرهنگی هستند که در درون آن‌ها سُنن اسلامی ریشه گرفته‌اند. این تنوع در اشکال خانه‌ها به واسطهٔ وفور طبیعی منطقه حفظ شده است.

در بخش‌های بسیاری از آسیای جنوب شرقی خانه‌ها با عناصر نمادین کاملاً تعریف شده که به مکان ساکنان در یک ترتیب معنوی فضایی که به‌طور عظیمی ساخته شده اشاره دارند، مشخص می‌شوند. علاوه بر اعتقاد فراگیر به قدرت احیاکننده کوه آتش‌نشان و زندگی گیاهی، پرشش نیاکان یک نیروی معنوی ممتد است که در مراسم مذهبی مکانی^۴ مشخص می‌شود. این احتمال وجود دارد که نظام‌های هندی و آسیای جنوب شرقی دارای ریشه‌های مشترک در آسیای میانه باشند، یعنی جایی که هر دو فرهنگ پیوندهای ماقبل تاریخ دارند. در خانه‌های بسیاری از جوامع که در آن‌ها «آداب»های قدیمی اندونزی فراوان است. این عقیده اهمیت داده می‌شود که نیروهای حیات بخش از ارواح نیاکان و از بالا جاری می‌شود. در یک نظام سه جانبه (که در بسیاری از سُنن یافت می‌شود) این ارواح نیاکان فضای بالایی سقف را اشغال می‌کنند، که در آن جا امن و آسان و بدون مزاحمت و همراه با اثاثیهٔ موروثی (پوساکا) می‌باشند. ساکنان (مونوسیا) در سطح میانی، بالای محدودهٔ تأثیرهای وحشیانه و غیرقابل پیش‌بینی ارواح و حیوانات گریزان از بشر زندگی می‌کنند.

در باناک گارو، جوامع نزدیک رودخانه «توبا» در شمال سوماترا، خانه‌های چند خانواری با سقف‌های بلند سرشیب وجود دارند که با نشان‌های کوچک نمادین، دارای اشکال عمده‌ای از مقبره‌های مقدس (گرتین) پوشیده شده‌اند. گسترش یک بام برآمده مرکزی

برای بناهای حایز اهمیت از لحاظ مراسم مذهبی (بالای) در تعدادی از جوامع آسیای جنوب شرقی که در آن‌ها «آداب» بومی هنوز حیاتی است، رُخ می‌دهد. چنین سلسله مراتب عمودی در خانه‌های تماشایی غرب سوما در جنوب شرق اندونزی به‌وضوح نمایان است. غشاء اطراف نقاط زیرین از سنگ آهک فرسوده، در منظره غرق می‌شود و سُشرف است به یک منطقهٔ باز و در قسمتی مرکزی که توسط تابوت‌های سنگ آهکی سنگی ساده و بی‌آلایش حاوی بقایای گذشتگان اشغال شده است. ستون‌های چوبی استوانه‌ای شکل که اعتقاد دارند به عنوان کانال‌هایی برای انرژی معنوی عمل می‌کنند، سه سطح مشخص را به‌وجود می‌آورند. این اعضای قابل استفادهٔ مجدّد که از الوارهای مرغوب ساخته شده‌اند، حفاظت‌کنندگان مستقیم بام بالایی با سرایشی زیاد می‌باشند، یعنی اقامتگاه روح محافظ، «ماراپو» در سطح میانی، حفره‌ها به داخل زمین در گوشه‌های یک سکوی خاک‌گرفته که حاوی آتش‌دان می‌باشد نفوذ می‌کنند، در حالی که اتاق زیرزمینی سرپناهی است برای اسب، خوک، مرغ و ماکیان که در اطراف پایه‌های این ستون‌ها جمع می‌شوند. فضای اصلی برای سکونت انسان توسط طبقات سرایشی سقف‌هایی پوشیده شده که به‌صورت اصیل ساخته شده‌اند و از تیرهای عرضی گسترده شده سقف بالایی معلق می‌باشند. در برخی از خانه‌های قدیمی، سقف اصلی بدون هیچ محافظی به‌عنوان عضو احاطه‌کننده در هوا معلق است. مجموعه فرهنگ نژادی سومبایی بیانگر این است که شکل این خانه‌ها با سقف‌هایی با سرایشی مضاعف و برآمده از نمونهٔ جاوه‌ای گرفته شده است. لیکن نماد شکلی و ساختمانی، مستقیماً به استفادهٔ آن‌ها مربوط است که احتمال قوی‌تر این است که سُنن سوما و جاوه دارای ریشه‌های مشترک در یک مرجع باستانی هستند که اکنون به‌واسطهٔ یک فرایند تحوّل فرهنگی بروز کرده است.

نقشه زیر بناهای مسجد آگانگ، دماگ، که از قدیم گفته می‌شود که در سال ۱۲۷۲ (۸۵۳ ه.ش) بنا شده در مرکز نساخانه (A) چهار ستون ساکادو وجود دارد.



نمای برش متقاطع مسجد آگانگ، دماگ که مسجد و ایوان ورودی آن را نشان می‌دهد. وسعت محراب در سمت چپ نشان داده شده است.



خصوصیات محیطی مسجد

ستون‌های اصلی (ساکاگورو) مسجد - که معمولاً چهار ولی بعضی اوقات شش و گاهی فقط یک ستون می‌باشد (ساکاتوگال) - یک محوریت عمودی قدرتمند ایجاد می‌کنند که زمانی که مردم برای عبادت جمع می‌شوند در نقطه مقابل جهت و سمت قبله می‌باشد. نقطه تمرکز عمودی این فضاها داخلی مرتفع توسط دسته‌های متحدالمرکز ستون‌ها منعکس و تقویت می‌شود و از لحاظ ساختمانی محافظی برای سقف‌های پایینی است. در بیرون، ردیف بالایی سقف‌ها با یک گل‌دسته کامل (ملولو با موستاگا) به جای نماد هندوی یک جواهر درخشان در بالاترین نقطه درخت جهانی (براهما مولا)، تمام می‌شود.

این تمایل عمودی و مرکزین قدرتمند، به‌وضوح تدارم میان اعتقاد هندو به هویت نفس و اصل جهانی آمانا و عقیده متصوفه به این که یک واسطه نهایی میان خداوند و مؤمن واقعی وجود دارد را بیان می‌کند. این فضاها مرتفع درونی به سمت منابع نور ضعیف که از میان سقف‌های بالایی می‌گذرند، بالا می‌روند. ستون‌های چندگانه هم‌آهنگ با ردیف‌های به‌مرور باریک‌شونده بالایی به سمت درون باریک می‌شوند. این شکل سقف سرشیب لایه‌لایه و برآمده در مرکز را «تایوگ» (تاج به‌سر) می‌نامند.

مسجدهای اولیه

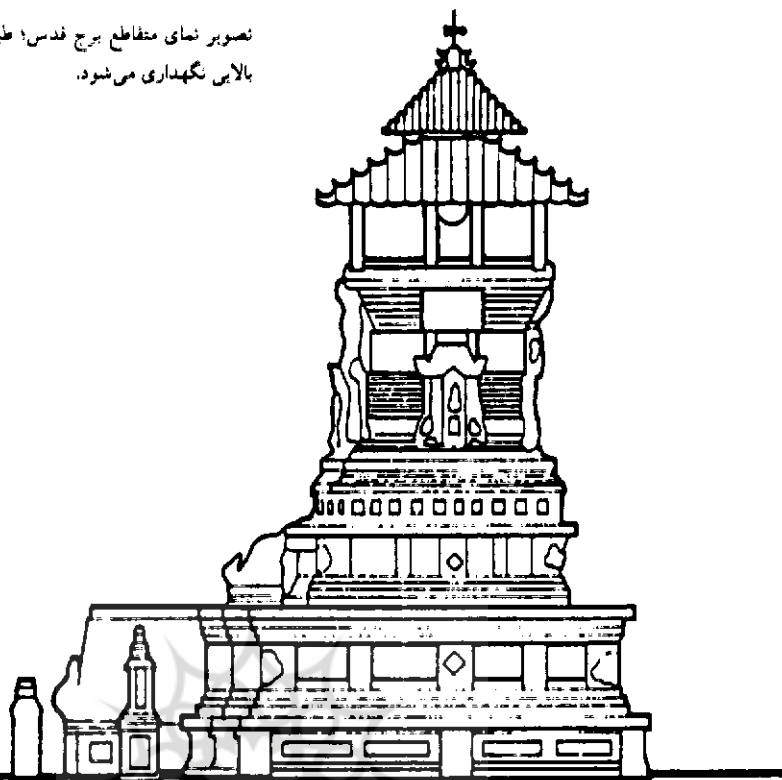
قدیمی‌ترین مسجدها در آسیای جنوب شرقی احتمالاً یا بناهای استفاده‌شده درون دربارهای سلطنتی بوده‌اند یا سالن‌های کوچک نماز که در جوامع روستایی که اخیراً به دین تازه گرویده‌اند و در انواع بناهای موجود - که برای اهداف مقدس مشابه استفاده می‌شدند - ساخته شده‌اند الگو برداری شده‌اند. در «لی‌هیتو» - در ساحل شمالی جزیره آمبون در شرقی اندونزی - مسجد کوچکی هست که می‌گویند در سال ۱۴۱۴ (۷۹۳ ه.ش)

ساخته شده است. فضای داخلی - ۳ متر مربع (۱۰ فوت) - احتمالاً این شکل را که در اصل در روستای کوهستانی «پردانا جامیکو» ساخته شد، حفظ می‌کند؛ ساختمانی که در سال ۱۶۶۴ (۱۰۴۳ ه.ش) به مکان و موقعیت فعلی تغییر یافت. اصل و منشأ اولیه این بنا در حقیقت این‌گونه تصور می‌شود که مناطق مرتفع این جزایر شرقی، قرنفل و جوز هندی اولیه را به‌وجود آوردند که در نتیجه مورد توجه و علاقه بازدیدکنندگان هندی و عرب اولیه بوده است.

نمونه دیگری از یک مسجد روستایی محفوظ‌مانده که گفته می‌شود توسط مسلمانانی که در قرن هفدهم از راه دریا وارد شدند بنا شد، در «کامپانگ لات»، یک محل مسکونی ساحلی در نزدیکی «کوتابارو»، مرکز ایالت «کلاتسان» در مالزی بود. این مسجد، به‌عنوان قدیمی‌ترین مسجد به‌جامانده در مالزی، در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) به محوطه مرکز «مطالعات تکمیلی اسلامی» - به نام «نیلام پوری» نقل مکان یافت. کف چوبی به‌اندازه ۱ متر (۳ فوت) از زمین بلندتر است. درست مانند مسجدهای شاخص در بسیاری از مناطق روستایی، چهار ستون اصلی محافظ بالاترین سقف هستند و آن را با فضاهای روزنه‌ای شکل چوبی از سقف بیرونی دولا به جدا می‌کنند که ورود نور به فضای مرکزی و تهویه هوای آن‌جا را امکان‌پذیر می‌سازد.

مساجد بزرگ که در اماکن تجاری ساحلی شمال جاوه، نظیر «سیربون»، «دماک»، «چارا»، و «کودوس». توبان، گرسیک و سورابایا ساخته شده‌اند، به‌عنوان قدیمی‌ترین در نوع خود در آسیای جنوب شرقی تکریم می‌شوند. سنت قدیم می‌گوید که اولین در میان این‌ها، در «دماک» بوده، که در سال ۱۴۷۲ (۸۵۳ ه.ش) افتتاح شد. اگرچه بسیاری از اجزای سازنده آن در طی یک‌سری بازسازی‌های قرن نوزدهم و بیستم، تجدید شدند، ولی شک نیست که این مسجد در شکل کنونی خود بسیار شبیه به بنای اصلی می‌باشد. اگر سقف این مسجد که در

نصوبير نماي متقاطع بيرج فانس؛ طبل (بدانگ) سئس در عمارت
بالاين نگهداري مي‌شود.



مسجد آگانگ، کرانون کاسابهان (ساخته‌شده در سال ۱۵۰۰ ه.ش) در سيربون، جاده.



سال ۱۸۴۸ (۱۲۲۷ ه.ش) نصب شده، قرار بود برداشته شود، تمامیت اصلی فضای داخلی تأثیرگذارنده آن حفظ می‌شد.

شهر دماک، که توسط یک مسلمان چینی به نام «سک‌کوپو» در نیمه دوم قرن پانزدهم بنا نهاده شد، اصالتاً یک شهر بندری بود، ولی اکنون گیل و لای ته‌مانده خط ساحلی باتلاقی، این شهر را از ساحل جدا کرده است. این شهر به مرکز رقابت سیاسی با دربار مازاهاپیت در شرق جاوه - که آن زمان رو به افول بود - تبدیل شد. نوه سک‌کوپو با مسلمانی از شمال سوماترا به نام سونان‌گانونگ جاتی ازدواج کرد که یکی از ۹ تا ۱۰ قدیس افسانه‌ای (والی) است که دین اسلام را از شهرهای ساحلی ترویج می‌دادند. بر طبق داستان‌های قدیمی، چند تن از این رهبران، عرب، هندی یا چینی تبار بودند. اعتقاد بر این است که ۹ والی در ساخت مسجد دماک همکاری کردند. هنگامی که تشخیص داده شد که الوارهای بزرگ برای تکمیل چهارمین «ساگاگورو»ی بزرگ و مهم ناکافی بودند، سونان «کالیجاگا» با روحیه عملی، از بریده‌های الوار برای ساخت ستون شمال شرقی استفاده نمود. این ستون‌های محافظ مرکزی ۲۲ متر (۷۲ فوت) ارتفاع دارند. ستون چندلایه (ساکاناتال) برای زائین که طالب ارتباط معنوی با اولیا هستند به یک شن قابل تکریم تبدیل شده است.

والی‌ها به مدت بیش از یک قرن زیستند و تعلیم دادند و مقبره آنها (کرامت) در مراکز در امتداد ساحل شمالی به همراه قدرت و اقتدار معنوی آنها، اماکن زیارتی شده است. سونان‌بایات، والی دهم، که جماعت بخش‌های جنوبی مرکز جاوه را به دین اسلام هدایت کرد، بر فراز تپه‌ای در «تعبایات» در جنوب «کلانن» به خاک سپرده شده است.

مسجدسازی در قرن شانزدهم

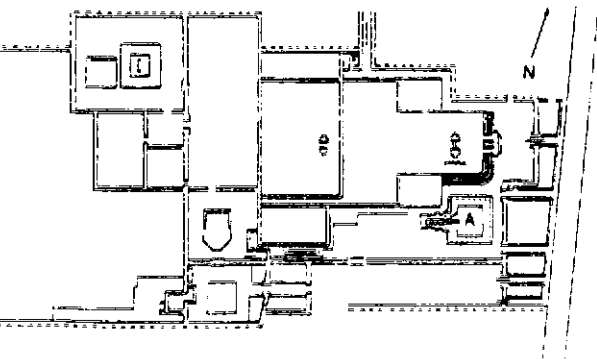
هنگامی که ماجراجویان پرتغالی، بلافاصله پس از اشغال ملاکا در سال ۱۵۱۱ (۸۹۰ ه.ش) برای برپا کردن انبارهای خود به ساحل جاوه وارد شدند، مساجد در نقاط بسیاری در حال ساختمان بود. به جز تعداد اندکی طرح از بناهای ساده در خطوط ساحلی در جزیره «فلورز» - که توسط «فرانسسکو رودریگز»^۴ در سال ۱۵۱۵ (۸۹۴ ه.ش) ساخته شد، هیچ سندی وجود ندارد که ماهیت این پروژه‌ها را نشان بدهد.

چندین مسجد مهم از قرن شانزدهم به جای مانده است. این مساجد توسط حاکمانی که قادر بودند در مقابل نفوذ سریع منابع تجاری پرتغالی مقاومت کنند بنا نهاده شده‌اند. یک نمونه اولیه، در «سیربان» در غرب جاوه قرار دارد که در آنجا یک تاریخ‌نگار^۵ نشان می‌دهد که این مسجد در سال ۱۵۰۰ (۸۷۹ ه.ش) بنا شد. ساختمان آن توسط سه تن از والی‌ها به نام‌های سونان‌گانانگ اهل آن محل و از تبار اشراف‌زادگان مصری^۶، سونان‌بونانگ از «توبان»، که در ملاکا تحصیل کرده بود و سونان‌کالیجاگا از دماک، کارفرمایی شد. امروز این مسجد در شرایط بسیار نامطلوب، در شمال غربی قدیمی‌ترین قصرهای سیربان (کراتون) قرار دارد و توسط محافظ‌های آهنی که از یک تجدید بنا در اواخر دهه ۱۹۳۰ (۱۳۱۸-۱۳۰۹ ه.ش) به جای مانده، سرپا نگه داشته شده است. طرح مستطیلی در یک زاویه به سمت مجتمع‌های سلطنتی که تقریباً به صورت چهار جهت اصلی قرار گرفته‌اند، به سوی قبله متمایل شده است. این دالان‌های مکمل (سرامبی) و یک دیوار آجری بلند از قرن شانزدهم به این ساختمان اضافه شده است. یکی از دو سقف برآمده در مرکز که بلندتر است به صورت یک برآمدگی می‌باشد. آیا دلیل این خصیصه عجیب می‌تواند این باشد که شبستان عبادت (لانگارآلیت) فرسانورا درون «کراتون» از پیش دارای مراسم مذهبی بود و در نتیجه با یک سقف هرم‌شکل برآمده در مرکز متناسب با موقعیت استفاده‌کننده آن

نمای داخلی نمازخانه مسجد انگامیل (۱۷۴۶ - ۱۱۲۵ ه.ش)،
 سورابابا، رحل‌های قرآن در اطراف ستون‌های محافظ‌گذارده
 شده‌اند.



نقشه زیربنایی مجتمع مسجد قدس که محل قرارگرفتن برج (A)
 در محوطه محصور را نشان می‌دهد.



تاج‌گذاری شده است؟ تک‌ستون مرکزی محل عبادت (ساکاتونگال) نیز این ترتیب روابط را تداعی می‌کند.

مسجد سلطنتی در «باوباو» در جزیره «بوشان» در دریای سولاوسی - تقریباً در ۱۵۰۰ کیلومتری (۹۵۰ مایلی) شرق سریبون - دارای چنین سقف بیرون‌آمده است. این مسجد - یعنی قدیمی‌ترین مسجد در سولاوسی - توسط سعید عبدالوحید - که پادشاه جوهور و جانشین سلطان آدن این بنای خوش‌منظره روی یک پایه درون باری سنگی کراتون بنا شده و دارای چشم‌انداز وسیعی از جزایر همسایه است. سقف برجسته دوگانه بر روی ستون‌های بلند چوبی نکیه دارد و ساختمان در محاصره دیوارهای سنگی ضخیم که با روکش آهک که از سفیده تخم‌مرغ ساخته شده، به عمل آمده است. به درهای شرقی که به صورت مرکزی قرار گرفته‌اند می‌توان توسط پله محوری سرپوشیده در مرکز نمای خارجی دست یافت. یک «سرایش» با کف چوبی معلق که در هر دو طرف در ورودی به تمام پهنای این نمای خارجی گسترده شده، توسط سقف پایینی پیش‌رفته پوشیده شده است؛ یک پیش‌آمدگی مشابه به طول یک متر (۳ فوت) در انتهای غربی محراب پیش‌آمده را می‌پوشاند.

باتن، غربی‌ترین بندر بازرگانی در ساحل شمالی جاوه در سال ۱۵۲۵ (۹۰۴ ه.ش) است یعنی زمانی که به جرگه ایالات اسلامی جاوه پیوست. مسجد سلطنتی آگانگ که توسط سلطان مولانا حسن‌الدین (۷۰-۱۵۵۲) در ضلع غربی مربع به سمت شمال کراتون ساخته شد، از لحاظ سقف پنج‌رده قابل ملاحظه است؛ مساجد پنج‌رده دیگری در این منطقه در ادامه مطلب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سقف پایینی در مساجد باتن دارای دالان‌های وسیع در اضلاع شمالی و جنوبی است که مقبره‌های رهبران مذهبی و اعضای خانواده‌های حاکمان سابق را پوشش می‌دهند. در زمان‌های بعد، سرامی مستطیل‌شکل وسیع سرامی در ضلع شرقی نیز

دارای یک سقف گسترده برآمده می‌باشد که در سراسر طول بنای اصلی گسترده شده است؛ اگرچه این مجتمع به خوبی محافظت شده است، ولی تأثیر بخش‌های باشکوهی از فضای داخلی ستون‌بندی شده، به واسطه آسترگذاری سقف که به تازگی تنظیم و نصب شده، کاسته شده است.

یک ماجراجوی هلندی که در اواخر قرن از جاوه دیدن نمود، در یادداشت‌های خود به مناره بی‌نظیر باتن اشاره کرده است. اگرچه سنت قدیم، این مناره و عمارت آجری دواشکوبه (تیامه) در مجاورت دالان جنوبی را به هندریک لوکاس کاردیل - معمار هلندی - نسبت می‌دهد، یعنی شخصی که در قرن هجدهم در این شهر اشتغال داشت، از لحاظ شکل ظاهری، مناره گنبدی‌شکل (باریک‌شونده - م) صدضلعی به یک فانوس دریایی اروپایی شبیه است؛ احتمالاً به‌عنوان یک برج ناقوس و مراقبت برای این بندر شلوغ که مورد حمله قدرت‌های رقیب اروپایی بود، عمل می‌کرد. پیش‌آمدگی‌های کوچک و پنجره‌های بزرگ و تقسیم‌بندی شده بالارونده در تیامه که از بناهای معاصر خود در هلند الگو برداری شده و اتاق گردهم‌آیی در طبقه دوم را نسبت به خورشید گرمسیری آسیب‌پذیر می‌کند، در نتیجه برای هدف مورد نظر نامناسب است.

تنها برج دیگر مسجد در این زمان در شهر زیارتی قدس در نزدیکی دماک قرار دارد. این برج بخشی از مجتمع مقدس را تشکیل می‌دهد که شامل مقبره والی سونان قدس می‌شود که به زمان اواسط قرن برمی‌گردد. ساختار و نقشه ساختمانی بدنه برج بسیار شبیه به جزم‌های آجری و دروازه‌های مازاپاهیت است که هنوز در «تراولان» دیده می‌شود. در بالاترین نقطه آن، یک عمارت باز با سقف دوگانه واقع است که در ضلع غربی آن پله‌های آجری سراسیم قرار دارد. این برج که در ورودی هر یکی از محوطه‌های محصور در دیوار برپاست، می‌تواند یک الگو برای عمارت در دروازه‌های

و زائران از سر عادت و به منظور طلب آگاهی و هدایت در هنگام مصیبت به این مناطق مقدس سفر می‌کنند.

قرن هفدهم

گششی‌های انگلیسی و هلندی، در طی دهه‌های آخر قرن شانزدهم آغاز به کاوش در دنیای جدید کردند. شکست آدمادای اسپانیایی در سال ۱۵۸۸ (۹۶۷ ه.ش) و زوال قدرت دریایی پرتغال، ماجراجویان انگلیسی و هلندی را به بازکردن خطوط تجاری به خاور دور ترغیب کرد. در این زمان، رقابت میان کشورهای جنوبی اروپا در زمینه اقتصادی و سیاسی و شرکت‌های تازه تأسیس انگلیسی و هلندی که تازه می‌خواستند تجارت تاجران خاورمیانه و آسیایی را که در آسیای جنوب شرقی فعال بودند در کنترل خود درآوردند، بالا گرفت. این هجوم‌های تازه، فرصت‌های اقتصادی را از دست حاکمان مسلمان در مراکزی که در قرن شانزدهم تأسیس شد، گرفت. از اوایل قرن هفدهم، هر زمانی که فرنگل، درخت جوز هندی، دارچین و فلفل، طلا و بنزن و دیگر محصولات خارجی در دسترس بود، توافق‌های تجاری، حاکمان مطرح می‌شد یا بر آن‌ها تحمیل می‌شد. همان‌گونه که شرکت‌های شرق هند متعلق به هلند و انگلستان، به تدریج بازارهای بین‌المللی را از بندرهای تجاری قدیم در کنترل خود درآوردند و نفوذ خود را در دربارهای مرکز جاوه، جنوب سولاومی و مالوکو گسترش دادند، رویارویی نظامی به‌گونه‌ای مؤثر ابتکار برنامه‌های عظیم ساختمانی در میان جوامع مسلمان را محدود کرد.

هیچ سند واضحی از مسجد واقع در شهر مهم بازرگانی بانداسه در شمال سوماترا در قرن هفدهم در دست نیست، ولی بقایای باغ‌های تفریحی سلطنتی در کنار نهری در نزدیکی مرکز این شهر مدرن به این زمان برمی‌گردد. این بقایا به شکل یک محوطه محصور در دیوار مرتفع به مساحت ۶ متر (۲۰ فوت) مربع، مشرف به باغ‌هایی که در احاطه گانانگان (حریم کوه‌شکل)

مسجدها در شرق جاوه، مادورا و جزایر شمالی ماکولو (مولوکاس) بوده باشد، ولی از همه این‌ها گذشته، برج‌های گول‌گول روستاهای «بالینی» را به یاد می‌آورد.

برج‌قدس دارای یک طبل استوانه‌ای شکل است که از یک تنه خالی شده درخت و چرم ساخته شده است. در آسیای جنوب شرقی، مرسوم است که در زمان نماز، قبل از آن‌که مؤذن اذان بگوید بر این طبل کوبیده شود. این طبل معمولاً در «سرامبی» یافت می‌شود، ولی در قدس، سمناب و مساجد دیگر در شرق جاوه و مالوکو، این طبل در عمارت جلویی برپا شده است. ساخت این مجتمع در قدس تقریباً به همان زمانی که مقبره والی دهم، سونان‌بایات در سال ۱۵۳۳ (۹۱۲ ه.ش) بر کوه «جبل‌کات» در بیابان مرکزی جاوه و سایر آرامگاه‌های حاکمان «ماتارام» ساخته شد، برمی‌گردد.

در قدس و تمبایات (در نزدیکی مقبره سونان‌بایات) یک سری عناصر معماری مسجد و دربارهای دیوارکشیده شده پی‌درپی با دروازه‌های باشکوه با مرکزیت توجه به سوی مقبره یکی از اولیا - از شرق به غرب ردیف شده‌اند. در تمبایات همه این‌ها بر دامنه یک تپه در زیر مقبره قرار دارد و در هر دو ضلع، مقبره‌های اقوام و پیروان فضاها داخلی را اشغال کرده‌اند. مدخل‌هایی که به سلسله دربارهای پنهان شده راه پیدا می‌کنند به شکل «کندی‌بنسار» و «گاپورا»، مدخل‌های سنتی حرم‌های جاوه‌ای پیش از اسلام هستند، ولی از مجتمع‌های معبد بالین کاملاً مشهور می‌باشند. زائران این مقابر بر این باورند که نفع معنوی از تفکر روحانی حاصل می‌شود، به روشی مشابه به ریزش بیرونی نیروهای معنوی در شرایط روحی این خانه قدیمی، عقاید قدیمی اندونزی نظیر این نیز در معبد «لورو جانگرانگ» هند و جاوه‌ای در پرامبانان که آرامگاه بزرگ یک رهبر مذهبی، موقعیت سلطنتی بود، رسوخ می‌کند. مساجد و مقبره‌های قدسان به همین ترتیب در بسیاری از بخش‌های آسیای جنوب شرقی وجود دارند

هستند، که یک بنای گچ‌کاری شده به طول تقریبی ۸ متر (۲۶ فوت) می‌باشد. یک سکوی کوچک که در قله آن قرار دارد توسط یک سری تونل‌ها و تراس‌های باریک قابل دسترسی است. افسانه‌های قدیمی می‌گویند که حاکم وقت در این‌جا درون یک عمارت که از نقره پوشیده شده بود تفکر روحانی می‌کرده است.

یک نقاشی از این مسجد سلطنتی در کتاب‌های فرانکوئیس والتین (۶-۱۷۲۴) بیانگر این نکته است که این مسجد شبیه به مسجد قرن هفدهم می‌باشد که در «اندراپاری» باقی مانده است و ۲۰ کیلومتر (۱۲/۵ مایل) از جنوب فاصله دارد. این مسجد به شکل مربع است و زیر یک سقف «تاج‌وگ» سه‌گانه که روی ستون‌های چوبی چندگانه قرار دارد، واقع است. این مسجد که درون یک محوطه محصور در دیوار قلعه‌گونه قرار دارد، دارای ظاهر یک دژ دفاعی است. گفته می‌شود که سلطان اسکندر سودا در طی دهه ۱۶۴۰ (۱۰۲۸-۱۰۱۱ ه.ش) به آن‌جا عقب‌نشینی کرد. اضافه کردن یک سقف چوبی در سال‌های اخیر به آن، شکوه محیطی آن را خدشه‌دار کرده است و نیز از وفور نور و هوای فضای داخل کاسته است. جانشین بام کاه‌گلی پیشین، یا شاید جانشین توفان‌های دیرآهاسی به این بنای زیبا اجازه می‌دهد که جایگاه مهم خود را به عنوان قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین مسجد موجود در سوماترا حفظ کند.

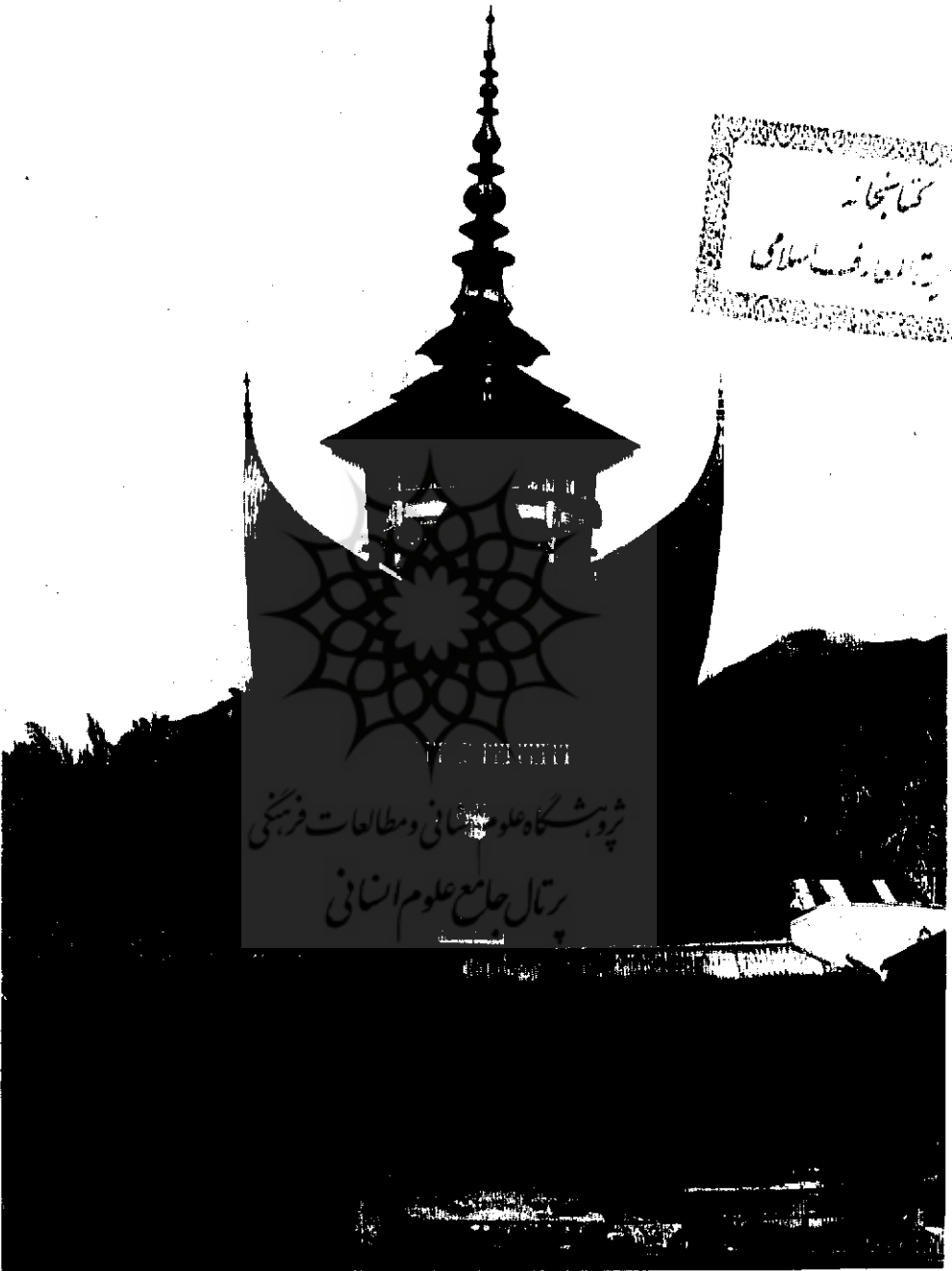
قرن هجدهم

در طی قرن هجدهم، هنگامی که اروپایی‌ها سعی نمودند منافع تجاری تقویت کنند، ساختمان‌های دولتی در محل بنا شدند تا عرضه را در پاسخ به تقاضا در بازارهای پرتوسان اروپا و در نهایت در آمریکا نظم و ترتیب ببخشند. حاکمان محلی توسط نمایندگان اروپایی و شرکت‌های تجاری تحقیر می‌شدند. تلاش‌های بی‌رحمانه‌ای برای کنترل عرضه کالای ارزنده

نظیر ادویه، فبوه و شکر، به گسترش مقاومت مسلحانه گسترده و دزدی انجامید. قدرت‌های منطقه‌ای روابط تجاری مستقل خود را گسترش دادند و در اواخر قرن هجدهم، اهالی آسه، میانگاباو، بانجار، بوگی و گوان و حاکمان جزایر مالوکو، برای کسب نقشی در الگوهای متغیر محصولات کشاورزی و معدنی، به رقابت با یکدیگر پرداختند و در همان زمان سیاست‌های غارت‌گرانه هلند شکست خورد.

بازرگانان از نقاط بسیاری از این منطقه در مراکز تجاری نظیر ملاکا، پالمبانگ، بانتن و بانادابا (جاکارتا)، سورابایا، مینانگاباو، جاوه، بانجار و بوگی و هم‌چنین هندی‌ها و اعراب در این مراکز مستقر شده بودند و جوامعی را با مرکزیت مسجد در زندگی‌شان تشکیل دادند. این مجتمع‌ها، که گستره نسبتاً کوچکی داشتند، بر اساس طرح سنتی مساجد دو قرن گذشته بنا شدند، اگرچه طرح آن‌ها، احتمالاً تحت تأثیر مجامع اسلامی جزایر هندوستان و سرلانکا قرار داشت. مسجد کامپانگ‌کینگ و کامپانگ‌هولو در ملاکا، مسجد آگانگ در پالمبانگ، مسجد کبون‌جروک، مسجد آنگکه و مسجد جمعه در کامپانگ‌بارو در جاکارتا همگی دارای یک نقشه مشابه می‌باشند، که در آن یک بام بالایی هرم‌شکل و بهن بر چهار ستون بزرگ استوار است و از یک بام زیرین دوگانه یا تکی، به واسطه فاصله میان بام‌ها به عنوان منبع نور و تهویه ضعیف برای یک فضای داخلی خنک، استفاده شده است. یک طیف وسیع از نقش‌برجسته‌های تزئینی ملهم از خاورمیانه یا هند، گاهی از اروپا و چین یا حتی ابداع‌های محلی، در درها و پنجره‌ها و اجزای داخلی دیوارهای بنا به‌کار برده شده است. در ملاکا و پالمبانگ و گاهی در جاکارتا، یک قبرستان و مناره در دیواری بلند - که آن‌ها را از خیابان‌های شلوغ جدا می‌کرد - محصور بود.

از آن‌جا که تعالیم پیامبر گرامی اسلام (ص) به‌طور گسترده پذیرفته شدند، این بناها در موقعیت‌های عمده



شهری به طرز شگفت‌آوری از مساجدی که در شهرها و روستاهای دورتر ساخته شدند، متفاوت گردیدند. در هالیاهرا، ترینت، نیدور و جزایر دیگر شمال مالوکو، یک نمونه کوچک شده از مسجد چندبامه از فنون قدیم خانه‌سازی پدیدار شده بود. بام پنج‌رده مسجد نوآ در ترینت، که به تازگی احیا شده است، بر روی شانزده ستون استوار است. این ساختمان در ساحل شرقی این جزیره قرار گرفته که یک آتش‌نشانی فعال به نام کوه گامالاما بر آن مسلط است. جهت مکه در ضلع غربی و توسط هم‌جهت‌کردن محراب با قبرستان و قلعه کوه در ضلع غربی تعیین شده است. چشم‌انداز قشرهای بام نوک‌تیز آن که اشاره به نهادهای جهانی کوهستان دارد، در شرایط طبیعی بسیار جذاب جلوه می‌کند.

در لیما کام در نزدیکی رودخانه سنیکاراک، در میان جوامع مینانگ‌کابو در شرق سوماترا، مسجد دیگری هست که به گونه‌ای رویایی این منظره را جلوه می‌دهد. مجموع ۶۸ ستون چوبی در اطراف یک تنه عظیم مرکزی که به فراز بام پنج‌رده می‌رسد و بیش از ۴۰ متر (۶۵ فوت) از زمین فاصله دارد، ساخته شده است. یک راه‌پله مارپیچ دسترسی به فراز بام را برای مؤذن جهت فراخواندن اعضای پنج قبيله فرعی به نماز میسر می‌سازد. در مناطق مجاور، مسجدهای قدیمی در راوراو و لوبوک‌باک حتی به گونه‌ای مستقیم‌تر، هویت عناصر بومی با الزامات سنت اسلامی را نشان می‌دهند. این اجتماع نقش‌های برآمده از اشکال خانه مینانگ‌کابو بیانگر این است که این بناها، که اصالتاً با گاه‌گیل (ایجوک) سیاه‌رنگ و پرزرق و برق پوشیده شده و از درخت فوفل (نوعی نخل آسیایی - م) گرفته شده، از حرم‌های قدیمی‌تر پیش از اسلام منشأ گرفته است. این بناها شباهت شگفت‌انگیزی با گریتن در جوامع باتاک‌کارو مستقر در شمال دارد.

مساجد قرون نوزدهم و بیستم

سقوط شرکت هلند شرق هندوستان در جاوه در پایان قرن نوزدهم و حکومت انگلیس در قرن معاصر به مدت هفت سال از سال ۱۸۱۱ (۱۱۹۰ ه.ش) حتی مقاومت پیش‌تری را در مقابل دولت هلند در بازگشت این کشور به آن‌جا در سال ۱۸۱۸ (۱۱۹۷ ه.ش) به دنبال داشت. درگیری ضد اروپایی تا اواسط قرن نوزدهم و آن‌گاه حتی کنترل مستقیم‌تر محصولات صادراتی، توسعه زندگی «امت» را در خود خفه کرد. لیکن تقریباً در اواخر این قرن، مخالفت از سوی حرکت‌های آزادی‌خواهی در اروپا نسبت به بی‌عدالتی‌ها در مستعمرات اشیافی تازه نسبت به زندگی مذهبی و فرهنگی بومی به وجود آورد. یکی از پی‌آمدهای این سیاست اخلاقی^۸ جدید هندی‌های هلندی در اوایل قرن بیستم، حمایت رسمی از تجدید و احیای مساجد موجود، به‌ویژه در جاوه و مادورا، در بافت توسعه برنامه‌های محصولات اولیه و صادرات بود. مساجد بزرگ واقع در کناره غربی میدان‌های عمومی (آلون‌آلون) در باندانگ، سومدانگ، گاروت، تالسیک مالایا، پاتی، جمبر، مالانگ، پارکاسان و سامنپ طی دهه‌های ۱۹۲۰ (۱۳۰۸-۱۲۹۹ ه.ش) و ۱۹۳۰ (۱۳۱۸-۱۳۰۹ ه.ش) ساخته شدند. با تحولی در سنت محلی شاهد افزوده شدن یک و گاهی دو مناره ساده و بی‌آرایش هستیم به‌عنوان بخشی از برنامه، یک مناره آهنی که توسط یک گنبد به سبک هندی که در امتداد مسجد قدیمی در دماک ساخته شد، بر فراز آن قرار می‌گرفت. این عضو اضافه‌شده که از حفظ و نگهداری آن به‌واسطه عقیده محافظه‌کارانه در طی بازسازی‌های اخیر حمایت شده است، با ساختار «شیرجه در یک حمام شنا»^۹ مقایسه شده است.

از اواخر قرن نوزدهم تحولات جدید در زمینه‌های خداشناسی، تحصیلی و اجتماعی در سراسر دنیای اسلامی به وجود آورنده سبک‌های متفاوت معماری بود که از قاهره و عربستان نشر پیدا کرد. اگرچه این اصلاحات تا حدودی در مالزی و شمال و غرب سوماترا

ستون‌ها، نقش استعاره‌ای آن‌ها را در بیان ریسمان‌های هدایت که مؤمنان را که در درون جمع می‌شوند تا نماز بخوانند یا مطالعه کنند به منبع معنوی پیوند می‌دهد، از بین می‌برد. در سنت معماری مسجد آسیای جنوب شرقی، این عناصر مرکزی دارای یک قطعیت مخصوص به سایبان‌های دربرگیرنده در این نظام ساختمانی باشکوه بوده است.

امروزه امت در این منطقه، نماینده تقریباً یک چهارم مسلمانان جهان هستند. در پاسخ به این گستردگی رویاگونه در جمعیت، مجتمع‌های عظیم مسجد در سال‌های اخیر ساخته شدند که به‌ویژه می‌توان از مساجدی در کوالالمپور، شاه‌آلام برونه‌ای و جاکارتا نام برد که به‌منظور جای دادن ده‌ها هزار نمازگزار طراحی شده‌اند. در هر کدام از این مساجد، سنت محلی به‌منظور تقلید از اشکال منتج شده از توسعه‌های فرهنگی در هند، خاورمیانه و شمال آفریقا کنار گذاشته شده است.

در بسیاری از سُنن ساختمانی، جزئیات که به‌واسطه استفاده از یک ماده یا شیوه ساختمانی آشکار می‌گردد، منعکس‌کننده جزئیات ساختمانی پیشینیان در شیوه ساختمانی دیگری است. در این فرایند تدریجی، انتقال و تراوش یادگاری‌های عناصر اولیه می‌تواند در یک خاطره جمع‌بندی شده بگنجد و تحلیل شود. در آسیای جنوب شرقی، الگوهای عمیق انتقال نمادها و اشکال طبیعی از طریق معماری مسجد کامل شده است و در سال‌های اخیر طراحان مجتمع‌ها برای اسکان مؤمنان در حال نماز در این غربی‌ترین نقطه آسیای اسلامی آغاز به بررسی مجدد میراث غنی خود کرده‌اند. بی‌تردید، آن‌ها کار بر روی سنت عظیم مسجدسازی را ادامه خواهند داد و معماری خود را با شکوه و قدرت اشکال تأثیرگذارش جلوه‌گر می‌سازند.

پذیرفته شد، ولی بخش‌های دیگری از «امت» که پیش‌تر ملی‌گرا بودند در مقابل آن‌ها مقاومت نمودند. در نیمه دوم قرن بیستم، پس از استقلال، این رویه در جریان حرکتی به‌سوی هم‌بستگی در میان ملل مسلمان و توسعه طیف گسترده‌ای از سبک‌ها در بافت تکنولوژی مدرن و طرح گوناگون متحول شد. افزوده‌های اخیر به مساجد در مکه و مدینه از قبل در نمازخانه‌ها و طرح مسجد در تمامی منطقه منعکس شده است. لیکن از دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۸-۱۳۴۹ ه.ش)، تعدادی از مساجد جالب‌توجه توسط طراحان جوان که در پی یک معماری اصیل که سازگاری بیش‌تری با محیط‌شان داشته باشد بودند، ساخته شده‌اند. از جمله مسجد الکوثر در جنوب جاکارتا توسط زین‌الدین کارنادیویرتا، مسجد واقع در محوطه «دپوک» در دانشگاه اندونزی و مسجد سیدنام در کبون‌کاکانگ در مرکز جاکارتا، که توسط شرکت آتلیه انیام طراحی شد (مراجعه شود به بخش ۱۵).

لیکن، شکستی نسبت که وسیع‌ترین برنامه ساختمانی‌سازی اسلامی که تاکنون در این منطقه مورد اجرا قرار گرفته، برنامه‌ای است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط سوهارتو، رییس‌جمهور اندونزی برای نخستین‌بار اجرا شد، از آن زمان بیش از چهارصد بنا در سراسر کشور تکمیل شد. بنیاد مورد حمایت دولت، «یایاسان آمال یا کتی مسلم‌پاساسیلا»، به جوامع محروم از لحاظ اقتصادی، یک بنای با طرح استاندارد پیشنهاد می‌کند که برای مدرسه، نمازخانه یا مسجد مورد استفاده قرار گیرد. این بناها دارای یک طرح اساسی هستند و با سه اندازه در دسترس می‌باشند: ۱۵، ۱۷ یا ۱۹ متر (در حدود ۴۹، ۵۶ یا ۶۲ فوت) مربع - که همگی در زیر یک بام سه‌گانه «تاجوگ» محصور شده‌اند. لیکن اصالت آن‌ها مخدوش است، چرا که چهار ستون آن که دارای چنین جایگاه مهمی در طرح نمادین و ساختاری در این گونه باستانی می‌باشند، حذف شده‌اند، اگرچه نقشه آن با مسجد قدیمی در دماک هم‌سان است. غیبت این

۸. دغدغه بشردوستانه در هلند منبج به ظهور این سیاست جدید شد که سعی داشت میان رفاه اهالی اندونزی و منافع آن‌ها تعادل ایجاد کند. سیاست «آراش‌بخشی» هلند در بسیاری از مناطق، از جمله آسه و بالی، در ابتدای قرن بیستم فرصت‌های حنی بزرگتری را برای استثمار به‌جود آورد. استوکل هورگسرونچ، پکک مشاور اجرایی و طلبه اسلام، یکی از هلندی‌های بسیاری بود که در این زمان مجذوب توسعه اجتماعی و فرهنگی اندونزی شد و در نتیجه مروج اصلاحات تحصیلی و مذهبی شد که قبلاً توسط منابعی در خاورمیان که و مصر تشریح شده بود.

۹. ر. ف. استناونهم، Oudheidkundig Verslag Over, ۱۹۴۰، ص ۸.

۱. بر طبق گفته م. س. ریکلفز، «دین بانو»، مسافر سورگایی، در مسیر خود به سمت چین در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ (۷۲۴ و ۷۲۵ ه.ش) از سوماترا گذشت و دریافت که حاکم آن‌جا پیرو مکتب صوفی بود. این نکته حضور این مکتب را از زمان قدیم که بعدها بر اندونزی حاکم شد ثابت می‌کند، اگرچه احتمال دارد که مکاتب دیگر ارتودکس (هنلی، مالیکی و هنلی) نیز در زمان‌های پیشین وجود داشته‌اند. (تاریخ اندونزی مدرن، ص ۴).

۲. بر اثر زد و خورد‌های مرگبار میان شرق جاوه (مالاباهیت) و جنوب سوماترا (پالمباگ)، پارامسوارا در سال ۱۶۰۰ (۷۷۹ ه.ش) به اقامتگاه ملاکا گریخت و در آن‌جا تجارت با ملازی، چین، عرب و هندی‌ها را آغاز نمود (مراجعه کنید به ریکلفز، کتاب بالا، صفحه ۱۸). گفته شده است که پارامسوارا در اواخر زندگی خود با دختر شاه پناسایی، شمال سوماترا ازدواج کرد و به دین اسلام گروید و نام اسکندر سیاه را برای خود برگزید (مراجعه شود به ج. کوهوس، کشورهای هندی‌شده آسیای جنوب شرقی، ص ۲۴۶).

۳. ه. واسرز گفت که: «هنگامی که مراسم ختنه فرار است انجام شود و پندایا [عمارت بیرونی خانه جاوه‌ای] باید به پکک تاروب [عمارت ختنه] برای این منظور تبدیل شود، در این صورت واجب دانسته می‌شود که نمیت قسمت بالاتر مورد نظر باید بر تیرک این خانه خوانده شود و برای این منظوره آن‌ها با پسپ مورد نظر که قرار است ختنه شود بر سر قبر پدی او یا نیاکاپ پدی او می‌روند». (پانجی، فهرمان فرهنگی، پکک مطالعه ساختاری بر مذهب در جاوه، ص ۲۶۹).

۴. احتمال دارد که این تصاویر سال ۱۵۱۵ (۸۹۶ ه.ش) - مراجعه شود به ستاره خاوری سوما از نام پیرز (ترجمه. A. کورتساو)، لندن، ۱۹۴۴ - نمایانگر ساختمان‌های با نقش مقدس - احتمالاً توسط نمازگزار مسلمان - می‌باشند.

۵. ه. آمیری از سنت قصر سیربون تعریف می‌کند که در آن تاریخ نگار واسپارا (۲) پانیمی (۲) یوگانینگ (۴) راتو (۱) که نشان‌دهنده سال ۱۴۲۲ (۸۰۱ ه.ش) در تقویم جاوه‌ای می‌باشند، سال ۱۵۰۰ پس از میلاد مسیح را نشان می‌دهد (مراجعه شود به پارامیتا، ر. جیدوراچمن، سیربون، جاگارتا، ۱۹۸۲، ص ۸۳).

۶. سولان گونانگ جانی (سبارف هدایت) پسر سبارف عبدالله از قاهره و رارا ساتانگ (سبارفه مداین)، شاهزاده پالازاران، پکک پادشاهی پیش از اسلام در غرب جاوه بود (مراجعه شود به جیدوراچمن، همان کتاب، ص ۴۷).

۷. فرانکوئیس والتین، در کتاب خود با عنوان

"Oede en nieuwOost - Indië"

(هشت جلد، دوره ریخ و آمستردام، ۱۷۲۴) حاوی تصویر مسجد در جاوا است که اکنون معدوم شده می‌شود. و پکک مرکز بازرگانی مهم در نزدیکی دماک در مرکز جاوه است؛ این تصویر پکک ساختار بالایی پنج اشکوبه شبیه به یکدیگر چینی را نشان می‌دهد (از زمانی که ناپدید شد) و به گونه‌ای دیگر ثبت نشده است.